

نگاه	احمد سینایی؛ تاریخ پژوه
-------------	--------------------------------

گذری بر شخصیت چندوجهی زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی

آفتابی در حجاب معاصرت

دومین سالروز رحلت علامه مفضال، زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی، در حالی فرا می‌رسد که هنوز ابعاد گوناگون و متنوع شخصیت آن بزرگ، در حجاب قرار دارد و اقدامی در خور، برای بازشناسی آن صورت نگرفته است. به واقع بلیه کرونا و جلوه‌های هزار رنگ و هر از گاه آن، همچنان مجالسی برای برگزاری محافل بین‌المللی و جامع نکوداشت، برای وی را فراهم ناساخته است. با این همه و در مجال اکنون، می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان تفاوت‌های آن فقید سعید با همگان‌ش برشمرد:

یک

او از آغاز تحصیل، آموختن خویش را منحصر به دروس رسمی و سنتی حوزه‌های علمیه شیعه نکرد و آورده‌های دانشمندان مسلمان در داخل و خارج از کشور را از نظر دور نداشت. به واقع او در عداد شخصیت‌هایی است که طریق علاج انحطاط مسلمانان را می‌جست و به هم‌افزایی دانشوران دردمند در این باره، اعتقادی بلیغ داشت. علاوه بر طریق علاج انحطاط مسلمانان را می‌جست و به هم‌افزایی دانشوران دردمند در این باره، اعتقادی بلیغ داشت. علاوه بر این، وی با ترجمه و انتشار اندیشه‌های آنان، نقش مهمی در شکوفایی فکر و عمل نسل جدید طلاب و دانشجویان مبارز داشت. مجموعه افکار و تلاش‌های مرحوم خسروشاهی در این حوزه، به او را در زمره بسترسازان فرهنگی انقلاب اسلامی قرار می‌دهد.

دو

گذشته از مرحله اندیشه، خسروشاهی در عرصه عمل، به‌ویژه تکاپوی سیاسی نیز کارنامه‌ای برپا دارد. وی در دوران جوانی، از نزدیک با آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و شهید سیدمجتبی نواب صفوی از تباط یافت و آنان را با تمام تفاوت‌هایشان، در منظومه اندیشگی خویش جای داد. جریان ملی‌گرانی نیز زمانی که پذیرای معارف دین بود، در قلمرو ارتباطات و مرادوات وی قرار می‌گرفت. ارتباطات وی با مهندس مهدی بازرگان و همگنان وی نیز از همین‌رو بود. با این همه خسروشاهی به دکتر مصدق و پیروان سکولار وی در داخل و جمال‌عبدالنصر و اقامار او در خارج، به‌دلیل گرایش صرف به ملی‌گرای، اعتقادی نداشت و آنان را مورد انتقادات شدید قرار می‌داد. آن زنده‌یاد با آغاز نهضت امام خمینی (ره)، با عنایت به آشنایی و علاقه پیشین خویش با آن بزرگ، در آن شرکت جست و چند مورد دستگیری و تبعید را تجربه کرد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نمایندگی امام(ره) در وزارت ارشاد اسلامی، سفارت جمهوری اسلامی در واتیکان و مسئولیت دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران در مصر را بر عهده داشت. علاوه بر این و همواره، از ارائه مشورت به مسئولان، در حوزه آگاهی و تجربه خویش، دریغ نمی‌کرد.



استاد سیدهادی خسروشاهی، در اوپسین سالیان حیات

سه

مرحوم خسروشاهی از پیشروان تقرب و تعامل مذاهب اسلامی، در دوران معاصر به شمار می‌رود. تکاپوی تقریبی وی، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و پس از ابعاد گسترده‌ای یافت که همکاری مؤثر با مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در زمره مهم‌ترین مصادیق آن قلمداد می‌شود. او بر این باور بود که جریانات فکری، اجتماعی و سیاسی اسلامی، باید اختلافات خویش را تقلیل دهند و به ابیوهی از مشترکات خود، به‌عنوان منشأ تعامل و همکاری بنگرند. او در این مسیر، به الگویی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی نظر داشت و هم از این روی، در احیای نام و آثار وی، نقشی یگانه ایفا کرد. وقوع جریان بیداری اسلامی در دهه اخیر، برای او فرصتی ارجمند بود که به‌رغم بیماری‌های جسمی، با نشاط فراوان به عرصه روشنگری در این‌باره گام نهد و آثار، مقالات و گفت‌و شنوندهای مطبوعاتی فراوانی را سامان دهد. چند دهه فعالیت «مرکز بررسی‌های اسلامی» در شهر قم، به‌ویژه در حوزه وحدت اسلامی را نیز می‌توان در عداد سرفصل‌های این تلاش پردامنه قلمداد کرد.

چهار

این فرزانه فقید در اوپسین سالیان حیات خویش، یکی از متفاوت‌ترین کتابخانه‌ها را در منطقه پردیسان شهر قم تاسیس و از این رهگذر، به طلب‌ و در نگاهی کلی‌تر علاقه‌مندان علم و معرفت، خدمتی در خور ارائه کرد. البته در طول تاریخ، عالمان دینی فراوانی چنین کرده‌اند اما «کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی»، به‌دلیل برخورداری از آثار منحصر به فرد و یگانه، درواقع می‌تواند منبعی نظری، برای جریان نوگرایی باید القلمداد شود. برخی از کتب این بوستان معرفت، تنها نسخه موجود آن در ایران است که با ذوق و علاقه آن دانشی‌مرد، تجمیم و حفظ شده است.

گزارش

ایمان مردانی

روزنامه‌نگار

۴ سال پیش در چنین موسمی، اندیشمند نامور و نویسنده پرتکاپو، زنده‌یاد آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی، روی از جهان پرگرفت و رهسپار ابدیت گشت. او در طول نزدیک به ۷دهه تلاش روشنگرانه، در طریق نیل به آرمان تقرب مذاهب اسلامی و زمان آگاهی مسلمان، افق‌های فراوان گشود و بسا دل‌ها و اندیشه‌ها را در سراسر عالم، به این هدف متعالی معطوف ساخت. آنک و در نکوداشت آن عالم مجاهد، سیره علمی و عملی او را در آئینه روایت ۴تن از دانشوران داخلی و خارجی جستیم. ایم، آمده کمک عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

هرگز به جریانات روشنفکری گرایش افراطی نیافت

سیدهادی خسروشاهی، حوزه مطالعات خویش را، منحصر به دروس حوزوی ساخت و از بدایت تحصیل و آموختن، به شناخت جریانات موجود فکری و سیاسی در جهان اسلام و راه‌حل‌های آنان برای برون‌رفت مسلمانان از انحطاط و مواجهه با دشمنان، اهتمام ورزید. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجمال‌الدین دین‌پور از دوستان آن محقق متتبّع، در این‌باره معتقد است:

«ایشان از همان ایام طبلگی و جوانی، خود را منحصر به درس، بحث و مطالعات مرسوم حوزوی نکرده بود، بلکه درباره جهان اسلام، بیماری مسلمانین، اتحاد

مسلمین و مسائل جهانی اسلام، مطالعه، بررسی و فعالیت می‌کرد. در دوران طاغوت – که اصولاً با این نوع کارها سر عناد داشت –ایشان با نوشتن کتاب مقاله و شرکت در مجالس و گاهی ایجاد این مجالس، وظایفش را به‌خوبی انجام می‌داد. به‌عنقر من، ایشان از بسترسازان فرهنگی انقلاب اسلامی بود. آشنای خسروشاهی در عین حال که در محافل گروه‌های مختلف شرکت می‌کرد، تعهد مذهبی، روحیه ولایی و توجه به اهل‌بیت(ع) را هرگز ترک نکرد و براساس همان روحیه‌اعتدالی‌ای که داشت، بین این دو طلیف حرکت می‌کرد و به‌ویژه به جریان‌های روشنفکری، گرایش افراطی پیدا نمی‌کرد.ایشان هم به جنبه‌های بین‌المللی و موضوعات روز و اخبار جهان اسلام توجه داشت و هم جنبه‌های تعهد مذهبی و توجه به اهل‌بیت(ع) را از خود داشت و تا آخر هم، به همین روش ادامه داد. ایشان با متفکران اسلامی در مصر، عراق و جاهای دیگر، ارتباط داشت و تلاش می‌کرد تا آنها را تقویت و کمک کند. از اهل‌بیت و کج‌روی‌ها، پرهیزشان بدهد و در کل، راهنمایی‌شان کند.ایشان با شخصیت‌های جهان اسلام اعم از شیعه و سنی، از تباط داشت و می‌توانست با افراد و افکار مختلف، تعامل برقرار کند و در جهت وحدت جهان اسلام، بکوشد. مسئله بیداری اسلامی و نهضت‌های اسلامی، برای او از اهمیت بالایی برخوردار بود. ما در حوزه افراد کمی را داشتیم که می‌توانستند مقاله و کتاب بنویسند اما ایشان از همان ابتدا می‌نوشت. اهل‌نیش قیر کردن و ماندن در گذشته هم نبود، بلکه سعی داشت تا با مسائل روز دنیا، آشنا شود و آنها را حل و همض و به جامعه نیز منعکس کند. نشریات خارجی را مستمرا مطالعه می‌کرد. همواره دنبال پاسخ به این سؤال بود که امروز مسئله جهان اسلام و مهم‌ترین گرفتاری مسلمانان چیست؟ و دشمنان اصلی اسلام، چه جریانات یا عناصری هستند؟ بعضی‌ها منتظرند زمان بگذرد و امکاناتی فراهم شود تا بتوانند این نوع ایده‌ها را پیاده کنند، ولی ایشان منتظر نمی‌ماند و یکنه کار را شروع می‌کرد و پس از اینکه کار راه می‌افتاد، دیگران را دعوت می‌کرد و جریان را به‌دست آنها می‌سپرد! این فضیلت بزرگی است و متأسفانه کمتر در عناصر فرهنگی ما مشاهده می‌شود…»

تاریخ



سیدهادی خسروشاهی، با پاپ ژان پل دوم، هنگام آغاز سفارت جمهوری اسلامی در واتیکان

مردی به گستره اقیانوس

سیره علمی و عملی زنده‌یاد سیدهادی خسروشاهی، در آئینه ۴روایت

گروه‌گرایی را به ساخت فعالیت خویش تسری نداد

در این مقام، خوانشی کوتاه از تلاش‌های پژوهشی، تألیفی و ترجمه‌ای استاد خسروشاهی، بهنگام می‌نماید. آنچه سیدمحمود خسروشاهی در میان آثار پدرش، مورد اشاره قرار داده است، مجموعه‌های پر مجلد اشعار آن بزرگ‌است و گرنه تالیفات آن دانشی‌مرد، تعدادی بس فزاین از موارد ذیل آمده دارد: مجموعه‌ای که در برارنده معارفی گران‌از اندیشه‌های نوین اسلامی است:

«ایشان بسال۲۰کتاب تألیف یا ترجمه و با پژوهش‌هایی که تحت نظارت ایشان انجام شده است، دارند. این کتاب‌ها غیر از ایسران، در ایتالیا، انگلستان، مصر، لبنان و کشورهای مختلف، چاپ شده‌اند. بعضی از آنها مثل: «امام علی، صدای عدالت انسانی» تألیف جورج جرداق – که پدر از اوایل دهه ۱۳۴۰، شروع به ترجمه آن کردند –دهها بار چاپ شده است؛ یکی از مجموعه‌های مورد علاقه ایشان، چاپ آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی و سپس آثار علامه سیدمحمدحسین طباطبایی بود، که با اهتمام زیادی،

این دو مجموعه را به نمر رساندند. مجموعه کامل آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی، در ۹ جلد در ایران و قاهره منتشر شدند. مجموعه آثار علامه طباطبایی، توسط بوستان کتاب قم چاپ شده که برخی از آنها، به چاپ پایزده‌هم هم رسیده‌اند. آثار استاد غلامرضا سعیدی هم –که پدر زحمت گردآوری و تنظیم آنها را کشیدند – ده جلد چاپ شده است. ایشان برای احیای مجموعه با حوزه علمیه علییه رژیم طاغوت را، در مجموعه نفیسی گردآوری کردند. جالب اینجاست که خود



سیدهادی خسروشاهی در لباس رزمندگان جنگ تحمیلی که آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به ایشان اهدا کرده بودند.

سیدهادی خسروشاهی در طول

نزدیک به ۷دهه تلاش روشنگرانه،

برای نیل به آرمان تقرب مذاهب

اسلامی و زمان آگاهی مسلمان،

افق‌های فراوان گشود و بسا دل‌ها و

اندیشه‌ها را در سراسر عالم، به این

هدف متعالی معطوف ساخت. او حوزه

مطالعات خویش را منحصر به دروس

حوزوی ن ساخت و از بدایت تحصیل،

به شناخت جریانات موجود فکری و

سیاسی در جهان اسلام و راه‌حل‌های

آنان برای برون‌رفت مسلمانان از

انحطاط موجود، اهتمام ورزید

بزرگی که در این مجموعه، از آنان سخن گفته شده

است نیز، برخی از این بیانیه‌ها را نداشتند یا ندارند. اما پدر به‌دلیل علاقه مفروطشان به گردآوری اسناد تاریخی، این اسناد را جمع‌آوری کردند و نهایتاً این گام بزرگ را برداشتند. این مجموعه در ۱۰جلد، توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد و لامل‌ترین مجموعه در این زمینه است. اسناد قصد داشتند بالای ۴۰۵۰ جلد مجموعه «حدیث روزگار» را بنویسند که متأسفانه به‌دلیل فقدان ناگوارشان، نیمه‌کاره باقی ماند؛ ۲۸جلد از آن را، در دوران حیات‌شان چاپ کردند و در آن، شخصیت‌های حوزوی، اسلامی، داخلی، خارجی، ملی‌گرا و، راه بدون خط‌کشی‌های مرسوم بررسی کرده‌اند. نگاه فراجناب‌وی بی‌طرفانه ایشان، در تمام آثارشان جاری است. پدر بعضی از کارهایشان را،با همکاری عناصر دارای گرایش ملی انجام می‌دادند. این در حالی بود که هرگز، از دفاع از آیت‌الله کاشانی و نقد غیرمتعصبانه برخی از عملکردهای دکتر مصدق، کوتاه نیامدند. ایشان هرگز دچار این عارضه متأسفانه فراگیر نشدند که چون افکار کسی در زمینه‌ای با من همخوان نیست، در زمینه‌های دیگر نیز، نمی‌توانم با او تعامل داشته باشم. همیشه می‌گفتند: انقلاب در سایه وحدت همه گروه‌ها به‌وجود آمد و این گروه‌گرایی‌ها، به انقلاب آسیب‌هایی جدی می‌زند. ایشان شوق و هیجوت، وارد این بازی‌ها نشدند و شأن روحانیت، علما، پژوهشگران و نویسندگان را بسپار بالاتر از حزب‌گرایی و گروه‌گرایی می‌دانستند…»

پیوسته از اختلافات درون جمهوری اسلامی ملول و نگران بود

دکتر سیدمحمد محمد مهدی جعفری، از دوستان دیرین استاد به‌شمار می‌رود. او در تحلیل شخصیت وی، به نکاتی اشاره دارد که کمتر به دیده دیگران آمده است. این در حالی‌است که جعفری، در پاراه مولات سیاسی یا تاریخی نیز، با خسروشاهی در اختلاف بوده است: «بیشترین ارتباط ما، در جریان مبارزات سیاسی و مذهبی بود که از سال ۱۳۴۰، به رهبری امام‌خمینی شروع شده بود. ایشان با همکاری مرحوم علی حجتی کرمانی، جناب محمدجسواد حجتی کرمانی و عده‌ای دیگر، نشریه «بعثت» را نوشتن و تألیف هم فرات گذاشته به‌عنوان دانشجویی که از تهران به قم می‌رفت، با آنها همکاری می‌کردم. گاهی مقاله یا خبر یا بیانیه‌هایی را که از جاهای مختلف به‌دستم می‌رسید، به آنها می‌دادم که در نشریه بعثت چاپ می‌کردند. تا همین تا‌اخر هم، ایشان همیشه نشریه بعثت را برای من می‌فرستادند که به نوعی تدایی گتر انتشار نشریه بعثت، در آن دوره بود. یکی از برجسته‌ترین فعالیت‌های فرهنگی ایشان، معرفی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و جریان بیداری کردی در جهان اسلام، در راستای هدف احیای اندیشه اسلامی بود؛ از آنجاکه سیدجمال‌الدین یک شخصیت جهانی بود، ایشان نمی‌خواست او را به یک ملت یا مذهب محدود کنند، لذا در بارش به نام کل جهان اسلام تبلیغ می‌کرد. ایشان با نوشتن کتاب‌هایی در شرح حال سیدجمال و آوردن اسناد و مدارکی برای اثبات ایرانی بودن او، بسیار تلاش کرد. در واقع نشریه عروه‌الوقتیه را –که به همت سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده منتشر شد– مرحوم خسروشاهی به ایرانی‌ها معرفی کرد. ایشان در زمینه تقرب مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی هم، بسیار فعال بود. او به‌دنبال دفاع از سیدجمال، از شخصیت‌هایی چون آیت‌الله سید محمود طالقانی، شهیدمر ترضی مطهری، دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان و…هم، که در بیداری اسلامی و احیای اندیشه‌اسلامی تلاش کرده بودند، در هر مناسبتی دفاع می‌کرد. او، با وجود اختلاف نظر سیاسی با اختلاف در موضوعات دیگر، هیچ‌وقت رابطه صمیمانه خود را با افراد قبیعی نکرد و از اینکه می‌دید افراد جامعه بر سر مسائل سیاسی و جناحی به جان می‌افتند، بسیار رنج می‌برد.ایشان با اینکه به مناسبت‌های مختلف از آیت‌الله کاشانی دفاع می‌کرد، باطرفداران دواًتشد دکتر

سیدهادی خسروشاهی، با پاپ ژان پل دوم، هنگام آغاز سفارت جمهوری اسلامی در واتیکان

تاریخ جهان

پاریس ۱۹۱۹

کتاب «پاریس ۱۹۱۹» با زیر عنوان «شش ماهی که دنیا را تغییر داد» نوشته مارگارت مک میلان را افشین خاکباز به فارسی برگردانده و از سوی نشر نو منتشر شده است. سال۱۹۱۹

بعد از پایان «جنگی برای پایان دادن

به همه جنگ‌ها»، ۳مرد قدرتمند جهان، وودرو ویلسون،

رئیس‌جمهور آمریکا، دوید لوید جورج، نخست‌وزیر بریتانیا و ژرژ کلمانسو، نخست‌وزیر فرانسه ۶ماه در پاریس برای برقراری صلحی پایدار با یکدیگر گفت‌وگو کردند. مارگارت مک میلان در این اثر برجسته، تاریخ روایی ژرف‌اندیشانه و هیجان‌انگیزی از آن روزهای سرنوشت‌ساز ارائه می‌دهد؛ روزهایی که به پیدایش کشور‌های جدیدی همچون عراق و یوگسلاوی و فلسطین از ویرانه‌های امپراتوری‌های ورشکسته و ترسیم دوباره مرزهای دنیای مدرن انجامید و بذره‌های جنگ جهانی دوم و فجایع آن را در خود پروراند؛ فجایعی که تا امروز نیز ادامه دارد. مارگارت مک میلان، تاریخ‌نگار کانادایی، استاد دانشگاه آکسفورد و کالج تربیتی و دانشگاه تورنتو و کارشناس روابط بین‌الملل است.

تخصص اش در حوزه امپراتوری بریتانیا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. او نوه دوید لوید جورج، یکی از بازیگران اصلی سیاست جهانی قبل و بعد از جنگ جهانی اول است.

آماده‌شدن برای صلح، نظم نوین جهانی، باز هم بالکان، مسئله آلمان، در میان مشرق و غرب، بهار پردردسر، به آتش کشیدن خاورمیانه و پایان کار، عناوین ۱۸بخش این کتاب خواندنی‌اند. ۱۸صفحه از کتاب نیز در برگزیده تصاویر و نقشه‌های تاریخی با شرح هستند. چاپ دوم پاریس ۱۹۱۹ در ۸۰۸صفحه با شمارگان هزار و ۱۰۰نسخه به بهای ۲۵۰هزار تومان به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است.

تاریخ جهان

راه‌های ابریشم

کتاب «راه‌های ابریشم» نوشته پیتر فرانکویں را سیمیا مولایی به فارسی برگردانده و به تازگی نشر ققنوس منتشر کرده است. امکان است مینه راه شرق و غرب،

کناره‌های شرقی دریای مدیترانه و دریای سیاه

تا کوه‌های هیمالیا، مکان جغرافیایی مناسبی برای ارزیابی جهان به‌عنقر نرسد. این منطقه امروزه کشورهایی را در برمی‌گیرد که در دست و عجب به‌عنقر می‌رسند. این کشورها پل بین شرق و غرب و میعادگاه تمدن‌ها هستند و در رابطه با آنچه در جهان می‌گذرد نه در حاشیه که در کانون آن جای دارند؛ هماطور که از آغاز تاریخ بوده‌اند. فریناند فون ریشتهوفن، زمین‌شناس نامور آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم این شبکه بزرگ را تباطی را «راه‌های ابریشم» خواند؛ نامی که از آن زمان تاکنون باقی‌مانده است. این کتاب با نگاهی نو به تاریخ جهان می‌پردازد و راه را برای پرسش‌های نو و زمینه‌های جدید پژوهش باز می‌کند و امیدوار است که باعث شود شوهاد کهنه تاریخی که نادرست بودن آن آشکار است به چالش کشیده شده و درست‌تر بررسی شود. انتشارات ققنوس، به تازگی این کتاب ۶۸۰صفحه‌ای را به بهای ۲۵۰هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

بیابان تاتارها

«بیابان تاتارها» اثر دنیو بوتزاتی را سرروش حبیبی به فارسی برگردانده و به تازگی نشر ماما منتشر کرده است. بیابان تاتارها، نام شناخته‌شده‌ترین کتاب دنیو بوتزاتی و آینه تمام‌نمای کمی از سنیاق عجیب و ریاگونه آثار این نویسنده است. بسیاری از منتقدان، این رمان را الهام‌گرفته از رمان «قصر»، نوشته کافکا،

می‌دانند اما داستان جذاب و به یادماندنی این اثر درباره فقدان، تعلل و آرزوهای برادرفته در طول تاریخ، به نوبه‌خود حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. داستان، سربازی به نام حیوانی دروگو را دنبال می‌کند که خانه را به‌خاطر انجام مأموریتی در دزی کوهی روی مرز تاتار ترک می‌کند. ذهن دروگوی جوان، بر از رویاهایی درباره افتخار آفرینی‌ها و پیروزی‌های نظامی است اما زمانی که به آنجا می‌رسد، با قلمه‌ای رو به ویرانی روبه‌رو می‌شود که به‌منظور مقابله با دشمنی ساخته شده که برای نسل‌هاست اثری از آن دیده نشده است. ساکنان این قلمه نظامی، وقت خود را با بازی و جر و بحث می‌گذرانند و در مواقع استراحت، به بیابان خیره می‌شوند و قصه‌هایی درباره سربازها و چیزهای عجیب و غریبی که دیده‌اند، رد و بدل می‌کنند. با گذشت زمان، این قله تاریخی اهمیت خود را از دست می‌دهد و بلندبروازی‌های حیوانی نیز شروع به محوشدن می‌کند تا روزی که نیروهای دشمن در این بیابان متروک، گرد هم می‌آیند و آماده نبرد می‌شوند. این کتاب ۲۲۸صفحه‌ای به بهای ۷۰هزار تومان منتشر شده است.

